

بررسی جریان و گونه‌های تخریب جایگاه حضرت زهرا (ع)، با تأکید بر مسئله تعارض روایتها در موضوع فدک و ...

محمد فراهانی / فریدون محمدی فام / سید مجید نبوی

علمی-پژوهشی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و یکم، شماره ۸۴ «ویژه پژوهش‌های حدیثی»، پاییز ۱۴۰۳، ص ۱۷۸-۱۹۰

بررسی جریان و گونه‌های تخریب و تضعیف جایگاه حضرت زهرا (ع)، با تأکید بر مسئله تعارض روایتها در موضوع فدک و قهرایشان با حاکمیت

محمد فراهانی^۱ / فریدون محمدی فام^۲ / سید مجید نبوی^۳

چکیده: پیامبر (ص) در زمان حیاتشان فدک (دهکده‌ای حاصل خیز در نزدیکی خیبر) را به حضرت زهرا (ع) بخشیدند که پس از پیامبر (ص) از حضرت زهرا (ع) پس گرفته شد. در مساله فدک و قهر حضرت زهرا (ع) با حاکمیت، نقل‌ها و روایت‌های مختلف و متعارضی وجود دارد که ضرورت دارد این روایتها به طور دقیق و عمیق بررسی شود علاوه بر این اخبار و سخنانی در تخریب شخصیت حضرت زهرا (ع) نقل شده است که جای بسی تأمل دارد. مقاله پیش رو به دنبال بررسی این اختلاف و علت اصلی آن و چگونگی تخریب شخصیت حضرت زهرا (ع) توسط جریان مخالف اهل بیت (ع) می‌باشد. روش جمع‌آوری مطالب در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای بوده و روش پردازش، توصیفی تحلیلی می‌باشد. پس از بررسی‌ها مشخص شد که جریان مخالف اهل بیت (ع) به دنبال انکار یا توجیه مسئله فدک و قهر حضرت زهرا (ع) بوده و یا اینکه مسئله مصالحه حضرت زهرا (ع) را با خلیفه اول مطرح می‌کنند. همچنین برخی از افراد این جریان، اقدام به تخریب یا تضعیف جایگاه حضرت زهرا (ع) کرده‌اند که این تخریب‌ها درباره عبادت، علم لدنی، صدیقه بودن حضرت زهرا (ع)، جایگاه عرفانی ایشان و غیره می‌باشد. **واژگان کلیدی:** تعارض روایت‌ها، قهر حضرت زهرا (ع)، جریان فدک، تخریب حضرت زهرا (ع)، تحریف تاریخ.

* دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶.

۱. استادیار سازمان بسیج مستضعفین مدیر تعلیم و تربیت، سازمان بسیج مستضعفین مدیر تعلیم و تربیت

۲. سایر جهاد دانشگاهی، جهاد دانشگاهی.

۳. دبیر گروه قرآن و حدیث سازمان سمت.

۱. مقدمه

در بررسی وقایع تاریخی، توجه به همه روایت‌های مختلف، امری ضروری است، به ویژه هنگامی که با وقایع مهم و سرنوشت‌ساز مواجه هستیم که روایت‌های متعارض و حتی متقابل^۱ درباره‌شان وجود دارد (شهرستانی، ۱۴۱۵: ۳۱). تقابل روایت‌ها در تاریخ اسلام، به ویژه در مسئله جانشینی پیامبر ﷺ و حوادث پس از آن، مشهود است. اهل بیت ﷺ بر غصب خلافت و شهادت مظلومانه حضرت زهرا ﷺ در دفاع از حق امیرالمومنین ﷺ تأکید دارند، در حالی که جبهه مقابل این روایت را رد کرده و بر اختلاف مالی بر سرفدک تمرکز می‌کند و حتی شهادت ایشان را انکار می‌نماید (بخاری، ۱۴۲۲: ۵، ۱۳۹). این تقابل روایت‌ها، فهم مسلمانان را از این واقعه دچار چالش کرده است. غفلت از این تقابل، به غلبه روایت نادرست می‌انجامد و بازگشت به حقیقت را دشوار می‌سازد، چنانکه قیام امام حسین ﷺ را می‌توان تلاشی برای مقابله با این تحریف حقیقت دانست.

این مقاله در جستجوی پاسخ به سه سؤال برآمده است: نخست اینکه «مناقشه اصلی روایت‌ها در جریان فدک چیست؟»، دوم اینکه «از منظر روایت‌های متقابل، عامل اصلی قهر حضرت زهرا ﷺ با حاکمیت چه بوده است؟» و سؤال سوم اینکه «جایگاه خاص صدیقه طاهره ﷺ (شامل عصمت، علم، معنویت و محبوبیت) توسط جریان مقابل اهل بیت ﷺ چرا و چگونه تخریب شده است؟».

درباره پیشینه باید گفت که اگرچه در قریب به اتفاق آثار عالمان فریقین گزارش‌هایی درباره حضرت زهرا ﷺ، در موضوع فدک و موضع آن حضرت با جبهه حاکم به تفصیل با رویکرد خاص دو جریان آمده است؛ لکن درباره «تقابل روایت‌ها درباره ایشان» کتاب یا مقاله‌ای که مستقلاً به این مسئله پرداخته باشد، یافت نشد و نوشته حاضر، اولین بار به این موضوع می‌پردازد.

۱. تقابل یا (به تعبیر اهالی رسانه) جنگ روایت‌ها، نبردی است که «همه شیوه‌های جنگی، سخت و نرم، هوشمند و هیبریدی را به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌دهد» و روایتی می‌تواند غلبه پیدا کند که منسجم، قابل نفوذ و باور پذیر باشد. جنگ هیبریدی شامل «نوشتار، گفتار، تصویر، رنگ، حرکت در زمان‌های مختلف، سرعت در ابعاد گوناگون، ذخیره سازی اطلاعات تا حد بی‌نهایت» می‌باشد (نصیری، ۱۴۰۰: ۵).

۲. تقابل روایت‌ها در باره حضرت زهرا (ع)

جبهه مقابل اهل بیت (ع) برای اینکه بتواند روایت خود را درباره حضرت زهرا (ع) بر افکار عمومی جامعه مسلمین حاکم نماید، نیاز به زمینه سازی‌هایی داشت. این تمهید با منحرف ساختن افکار عمومی از علت اصلی مناقشه در قضیه فدک، انکار قهر حضرت زهرا (ع) و تحریف علت اصلی آن از روایتی که جریان شیعی بدان معتقد است و ادعای آشتی بین آن حضرت و حاکمیت صورت گرفت. این جریان برای دستیابی به یک روایت قابل قبول و منسجم در این زمینه به تحریف جریان فدک و قهر ایشان و تخریب جایگاه ویژه آن حضرت پرداخت که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲-۱ تحریف ماجرای فدک

اختلاف حضرت زهرا (ع) با جریان حاکم بر سر فدک، نمودی از مناقشه عمیق‌تر بر سر حاکمیت بود (موسوی، ۱۴۳۳: ۲۵). جبهه حاکم، با تحریف این روایت و تقلیل آن به یک اختلاف مالی، سعی در تضعیف مشروعیت اهل بیت (ع) داشت. این تحریف، با انکار هبه بودن فدک و استناد به حدیث «لا نورث» صورت گرفت، در حالی که شواهد تاریخی، از جمله روایت ابن شهبه، بر مالکیت حضرت زهرا (ع) بر فدک تأکید دارند (ابن شهبه، ۱۳۹۹: ۱، ۱۹۹). حتی برخوردهای دوگانه خلیفه اول در موارد مشابه، مانند قضیه جابر بن عبدالله انصاری، تناقضات در استدلال‌های جبهه مقابل را آشکار می‌سازد (بخاری، ۱۴۲۲: ۳، ۹۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۴، ۴۷۵). این تحریف روایت، تا آنجا پیش رفت که عمر بن عبدالعزیز، مالکیت حضرت زهرا (ع) بر فدک را به کلی انکار کرد، در حالی که سیره خلیفه اول در بخشش اموال عمومی به نزدیکان خود، با این ادعا در تضاد است (ابو داود، ۱۴۳۰: ۴، ۵۹۰-۵۹۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۸، ۱۶۵). در نهایت، تقابل روایت‌ها در قضیه فدک، نشان می‌دهد که چگونه حقیقت، برای اهداف سیاسی، تحریف و وارونه جلوه داده شده است. حدیث «لا نورث» نیز، با نص صریح قرآن در تضاد است و نمی‌تواند توجیهی برای غصب فدک باشد (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۰۴، ۱).

۲-۲ قهر حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام، پس از ماجرای فدک، با حاکم وقت قهر نمودند، چنانکه در صحیح بخاری و منابع دیگر آمده است (بخاری، ۱۴۲۲: ۴، ۷۹). این قهر، با وصیت ایشان مبنی بر دفن شبانه و عدم اطلاع‌رسانی به حاکمیت، تأیید می‌شود (الطبری الصغير، ۱۴۱۳: ۱۳۳). این امر، مشروعیت حاکمیت را زیر سوال می‌برد، زیرا با حدیث معروف «فاطمه بضعه منی» در تضاد بود (بخاری، ۱۴۲۲: ۵، ۲۱). برای مقابله با این چالش، جبهه مقابل روایت‌هایی چون خواستگاری حضرت علی علیه السلام از دختر ابوجهل را مطرح کرد که با واقعیت در تضاد است و راویان آن مورد نقد قرار گرفته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۲: ۱۰، ۱۸۱؛ خویی، ۱۴۱۰: ۱۸، ۱۶۱؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۴، ۴۱۴؛ طوسی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). همچنین، ادعای آشتی حضرت زهرا علیها السلام با حاکمیت، با روایات شیعه در تضاد است و با استناد به علاقه ایشان به حجاب، توجیه دفن شبانه نیز قابل قبول نیست (صدوق، بی‌تا: ۱، ۱۸۷؛ مدیهش، ۱۴۴۰: ۱، ۲۸۰). در نهایت، تقابل روایت‌ها در موضوع قهر حضرت زهرا علیها السلام، نشان می‌دهد که چگونه حقیقت، برای اهداف سیاسی، تحریف و وارونه جلوه داده شده است.

۳-۲ تضعیف جایگاه حضرت زهرا علیها السلام

با توجه به اینکه قبول جایگاه ویژه حضرت زهرا علیها السلام، همچون: «الصدیقه»^۱، «المطهره»^۲، «المحدثه»^۳، «سیده نساء العالمین»^۴، «بضعة الرسول»^۵ و...، توسط مبلغان جریان خلفا،

۱. «... إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام صَدِيقَةُ شَهِيدَةٍ...» (الکلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۴۵۸).

۲. در منابع فریقین آمده است که آیه تطهیر (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب، ۳۳)، در شأن علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسنین نازل شده است (الرازی، ۱۴۲۰: ۸، ۲۴۷؛ البحرانی، بی‌تا: ۴، ۴۶۸).

۳. «... إِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ (ع) مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتَنَادِيهَا...» (صدوق، بی‌تا: ۱، ۱۸۲).

۴. در منابع اهل سنت آمده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْبَيْتِ» (بخاری، ۱۴۲۲: ۵، ۲۰). این حدیث در منابع شیعه با عبارات «ابْنَتِي فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (صدوق، ۱۳۹۵: ۱، ۲۵۷) آمده است.

۵. «... إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي يُوْذِنُنِي مَا آذَاهَا...» (مسلم، بی‌تا: ۴، ۱۹۰۳).

با موضع ایشان علیه حاکمیت و غاصب دانستن آن، دارای تعارضی آشکار است؛ جریان روایی این جریان درصدد برآمد جایگاه ویژه آن حضرت را تضعیف و تخریب کند تا کسی نخواهد ایشان را مرجع و مصدر توجه خویش قرار دهد و به جهت اینکه این جریان جایگاهی خاص برای اصحاب ترسیم نموده بود، تا حدی که بخاری حدیثی را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد که درباره حاضرین در غزوه بدر فرمود: «اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكُمْ» (بخاری، ۱۴۲۲: ۵، ۱۴۵)؛ لذا نمی‌توانست صراحتاً چهره حضرت زهرا ﷺ را تخریب کند؛ چه اینکه ایشان از افاضل اصحاب به شمار می‌روند.

۱-۲-۳- تضعیف عبادت حضرت زهرا ﷺ

یکی از شاخصه‌های منحصر به فرد حضرت صدیقه طاهره ﷺ بعد عبادی ایشان است. جایگاه عبادی آن حضرت در حدی است که در منابع روایی آمده است: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ كَأَنْتِ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳، ۳۴۱)، آن حضرت به قدری به عبادت ایستادند که پای مبارکشان متورم شد. برای تضعیف جایگاه عبادی حضرت زهرا ﷺ، در منابع حامی جبهه حاکم بر مسلمین، نقل‌هایی ساخته و پرداخته شد که به عنوان نمونه به روایتی منقول در صحیح بخاری می‌پردازیم. در این کتاب آمده است: پیامبر اکرم ﷺ به خانه حضرت علی ﷺ و حضرت زهرا ﷺ آمدند و ایشان را برای نماز شب بیدار کردند و امیرالمومنین ﷺ به رسول خدا ﷺ عرض کردند: «همه چیز به دست خداست، اگر بخواهد ما می‌خوانیم و اگر بخواهد ما بلند می‌شویم، اگر قرار باشد نماز بخوانیم می‌خوانیم و اگر قرار باشد نماز نخوانیم نمی‌خوانیم، همه چیز به دست خداست!». پیامبر ﷺ با شنیدن این سخن آیه «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (الکهف، ۵۴)، را قرائت فرمودند. از این روایت با اشاره به غفلت حضرت زهرا ﷺ از نماز شب و جدل امیرالمومنین ﷺ با رسول اکرم ﷺ، برای تقلیل جایگاه عبادی حضرت صدیقه طاهره ﷺ استفاده شده است.

۲-۲-۳- تضعیف روایات محبوبترین فرد بودن فاطمه ﷺ:

مرتبه خاص و والای صدیقه طاهره ﷺ نزد خداوند متعال و نبی مکرم اسلام ﷺ از

مسلماتی است که با بررسی رفتار پیامبر ﷺ با ایشان کاملاً قابل اثبات است؛ چنانکه در روایتی آمده است: «... كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بِهَا وَ قَامَ إِلَيْهَا فَأَخَذَ يَدَهَا وَ قَبَّلَ يَدَهَا وَ أَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ...» (الطبری، ۱۴۲۰: ۱، ۳۸۹). طبق این روایت هنگامی که حضرت زهرا ﷺ بر رسول اکرم ﷺ وارد می‌شدند، ایشان به احترام فاطمه ﷺ قیام کرده، به استقبال آن حضرت رفته، دستشان را بوسیده و به جای خویش می‌نشاندند. از این روایت و روایاتی چون: «أَحَبُّ أَهْلِی إِلَى فَاطِمَةَ» (واعظ قلشقدی، ۱۴۲۷: ۲۹) استنباط می‌شود که محبوبترین مردم نزد رسول اکرم ﷺ حضرت زهرا ﷺ است، با این حال، احمد بن حنبل برای تحریب جایگاه حضرت زهرا ﷺ، این مسلم را انکار کرده و اسامه بن زید را به عنوان محبوبترین مردم نزد پیامبر ﷺ معرفی می‌کند و از قول عبدالله بن عمر می‌نویسد: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَسَامَةُ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ، مَا حَاشَا فَاطِمَةَ وَلَا غَيْرَهَا» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۹، ۵۱۸) که در این روایت، تأکید ابن عمر بر استثنا نبودن فاطمه ﷺ در محبوبیت نزد پیامبر ﷺ مشهود است. علاوه بر روایت مذکور، روایت دیگری در معجم طبرانی است که عایشه نقل می‌کند: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: زَيْنَبُ خَيْرُ بَنَاتِي...» (الطبرانی، بی‌تا: ۵، ۸۰) و در آن زینب، دختر خوانده پیامبر ﷺ^۱ به عنوان بهترین دختران آن حضرت دانسته شده است. این تضعیف بر امام سجاد ﷺ گران آمد و خطاب به زهرا، ناقل این روایت، با کلامی توییح آمیز فرمودند: «... مَا حَدِيثُ يَبْلُغُنِي عَنْكَ تَنْتَقِصُ فِيهِ فَاطِمَةُ؟...» (همان). جریان مقابل اهل بیت ﷺ در طول تاریخ هر حدیثی که در آن اهل بیت ﷺ محبوبترین دانسته شده‌اند را دارای نکارت دانست؛ چنانکه حدیث «طیر مشوی»^۲، که نود راوی آن را از طریق انس بن مالک نقل کرده‌اند و درباره آن کتابهای مستقلی توسط ابن مردویه، محمد بن احمد بن حمدان و محمد بن جریر طبری نوشته شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۸: ۱۱، ۸۳)، توسط ابن کثیر دارای نکارت دانسته شده و می‌نویسد: «... وَبِالْجُمْلَةِ فَنَفَى الْقَلْبِ مِنْ صِحَّةِ هَذَا الْحَدِيثِ نَظَرٌ، وَإِنْ كَثُرَتْ طُرُقُهُ...» (همان).

۱. زینب، فرزند ابوهند از قبیله بنی تمیم و هاله بنت خویلد، خواهر حضرت خدیجه ﷺ بود و چون پدر و مادر او درگذشتند، تحت سرپرستی پیامبر ﷺ و خدیجه ﷺ قرار گرفت؛ به همین جهت به عنوان فرزند آن‌ها دانسته شد (ن. ک: کوفی، ۱۳۷۳: ۱۱۱-۱۱۲).

۲. «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ عِنْدَهُ طَائِرٌ فَقَالَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا أَكْلَ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّيْرِ فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ فَرَدَهُ وَجَاءَ عُمَرُ فَرَدَهُ وَجَاءَ عَلِيٌّ فَأَذَنَ لَهُ» (النسائی، ۱۴۰۶: ۲۹).

۳-۳-۳- تضعیف علم لدنی صدیقه طاهره علیها السلام:

جریان مقابل اهل بیت علیهم السلام برای توجیه غصب فدک، علم لدنی حضرت زهرا علیها السلام را منکر می‌شود؛ چنانکه در کتابی از نویسندگان معاصر وهابی آمده است: «لَمْ تَكُنْ فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا تَعْلَمُ. كَمَا بَقِيَهِ أَزْوَاجُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِدَا عَائِشَةَ. إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُورِثُ، فَجَاءَتْ تَطْلُبُ مِيرَاثَهَا مِنْ أَبِي بَكْرٍ، فَأَخْبَرَهَا بِالسُّنَّةِ فِي ذَلِكَ، فَصَدَّقَتْ، وَلَمْ تُنَاقِشْهُ فِي ذَلِكَ وَلَمْ تُعَدِّ تَطْلُبُ الْمِيرَاثِ مِنْهُ مَرَّةً ثَانِيَةً»^۱ (مدیہش، ۱۴۴۰: ۱، ۲۷۷-۲۸۸) و نویسنده طی آن ادعا می‌کند که حضرت فاطمه علیها السلام و همسران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جز عایشه، از اینکه آن حضرت ارث نمی‌گذارد، بی‌اطلاع بوده‌اند، به همین دلیل دختر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از ابوبکر، میراث خود را طلب کردند و هنگامیکه خلیفه اول روایت نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را اخبار کرد، آن حضرت تصدیق نمود و دیگر در آن زمینه، مناقشه‌ای نکرد و برای این امر دوباره اقدامی نفرمود. چنانکه ملحوظ است جریان مقابل برای حفظ انسجام روایت خود از ماجرای فدک و قهر حضرت زهرا علیها السلام، در علم الهی آن حضرت تشکیک نموده و مدعی می‌شود هیچ احدی به تمام نصوص شریعت احاطه ندارد: «وَمِنَ الْيَقِينِ أَنَّ لَا أَحَدًا يَحِيطُ بِجَمِيعِ نَصُوصِ الشَّرِيعَةِ» (همان، ۲، ۴۲۸) و به طور کلی اعلامیت مطلق ائمه و اصحاب را منکر می‌شود: «وَلْيُعْلَمَ أَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْأَيِّمَةِ الْمَقْبُولِينَ عِنْدَ الْأُمَّةِ قَبُولًا عَامًّا. يَتَعَمَّدُ مُحَالَفَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي شَيْءٍ مِنْ سُنَّتِهِ؛ دَقِيقٍ وَلَا جَلِيلٍ» (ابن تیمیہ، ۱۴۰۳: ۱، ۱۸). البته غرض اصلی انکار احاطه علمی حضرت زهرا علیها السلام است؛ چه اینکه در صورت پذیرش اعلامیت ایشان دیگر چهل به میراث نبردن از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قابل اثبات نیست.

انکار علم لدنی حضرت فاطمه علیها السلام توسط این جریان در حالی است که عالمه بودن ایشان بماکان و مایکون و ما هو کائن از منظر روایات مسجل است: در حدیثی قدسی آمده است که خداوند متعال فرمود: «...إِنِّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۴۶۰) و از قول آن حضرت نقل شده است: «...أَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَمَا لَمْ يَكُنْ...» (ابن عبدالوہاب، ۱۳۶۹: ۱، ۴۷). عبارت «لم یکن» در این روایت، اشاره به علم آن حضرت به اسراری است که نزد خداوند متعال، مکنون و مخزون و از محتویات لوح محفوظ بیرون است، که از

۱. کاشانی، حامد، «جنگ روایت‌ها. جلسه هشتم».

خصوصیات صاحبان ولایت مطلقه است (ن.ک: میرجهانی طباطبایی، ۱۴۲۶: ۳۱۸). علاوه بر این، مصحف فاطمه علیها السلام که تالی تلوقرآن و جامع علوم اولین و آخرین است بر علم لدنی ایشان دلالت می‌کند (ن.ک: الطبری الصغیر، ۱۴۱۳: ۱۰۴-۱۰۶).

۴-۳-۳- تخریب جایگاه عرفانی حضرت فاطمه علیها السلام:

یکی دیگر از مصادیق تضعیف جایگاه حضرت زهرا علیها السلام توسط جریان مقابل، تقلیل جایگاه بلند عرفانی ایشان به رده اصحابی است که از جهنم می‌ترسیدند؛ چنانکه از قول شمس تبریزی آورده‌اند: «مردم را سخن نجات خوش نمی‌آید، سخن دوزخیان خوش می‌آید. سخنی که در آن نجات باشد آن راستی است. لاجرم، ما نیز دوزخ را چنان بپرسانیم که بمیرد از بیم. فاطمه رضی الله عنها عارفه نبود، زاهده بود. پیوسته از پیغامبر حکایت دوزخ پرسیدی» (شمس تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). این جریان تخریب تا جایی پیش می‌رود که در کتب تعبیر خواب نیز رد آن دیده می‌شود چنانکه نابلسی در کتاب خود می‌نویسد: رؤیت ابوبکر در خواب دالّ بر خلافت و امامت، دیدن عمر در رؤیا دلالت بر عمر طولانی و کردار پسندیده، دیدن عثمان در خواب، نشانه کسب علم، صله رحم و عبادت است و رؤیت فاطمه علیها السلام در خواب بر فقدان ازواج، آباء، امهات و ذریه دلالت می‌کند: «... وتدل رؤية فاطمة رضي الله عنها بنت رسول الله صلی الله علیه و آله على فقدان الأزواج والآباء والأمهات...» (النابلسی، ۱۴۲۲: ۱، ۱۲). این شدت و گستردگی تخریب، نشانه عمق تقابل روایتها در موضوع جایگاه حضرت زهرا علیها السلام است.

۵-۳-۳- تخریب صدیقه بودن حضرت زهرا علیها السلام:

جریان حاکم برای توجیه نپذیرفتن ادعای حضرت زهرا علیها السلام در مورد فدک، در تخریب جایگاه آن حضرت، با تحریف حدیث حجّ النبى صلی الله علیه و آله که نزد رجالیون شیعه صحیح^۱ است مدعی می‌شود که در مواردی امیرالمومنین علیه السلام نیز سخن ایشان را نپذیرفته‌اند: در صحیح مسلم آمده است: علی بن ابیطالب علیه السلام در ایام حج دیدند فاطمه علیها السلام از احرام بیرون آمده‌اند و لباس رنگی به تن کرده و سرمه به چشم کشیده‌اند؛ به همین دلیل ابراز ناراضایتی کردند؛ حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ گفتند: «... انّ أبی أمرنی بهذا...»؛ اما امیرالمومنین علیه السلام

۱. کاظم مدیر شانه چی در مقاله ای، طرق و سلسله راویان این حدیث را از مورد بررسی قرار داده است (ن.ک: مدیر شانه چی، ۱۳۷۸: ۸۸-۹۱).

سخن ایشان را نپذیرفتند و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله استعلام کردند و در نهایت پیامبر صلی الله علیه و آله سخن فاطمه علیها السلام را تصدیق نمود (ن. ک: مسلم، بی تا: ۲، ۸۸۶). با مقایسه این حدیث در اصول کافی^۱ و صحیح مسلم^۲ درمی یابیم، جریان مقابل طی این روایت، نارضایتی امیرالمومنین علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام به خاطر بیرون آمدن از احرام و سرزنش ایشان را با عبارت «... فَأَنْكَرَ ذَلِكَ عَلَيْهَا...» (همان) و جمله «... فَذَهَبْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُحَرِّشًا عَلَى فَاطِمَةَ لِلَّذِي صَنَعَتْ...» (همان) به حدیث اضافه کرده و به تبع آن نپذیرفتن جمله «... إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي بِهِذَا...» (همان) از آن حضرت را برای توجیه برخورد خلیفه اول در موضوع فدک استفاده نموده است، در حالیکه این عبارات در متن روایت منقول در اصول کافی نیامده است (ن. ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۴، ۲۴۶).

۶-۳-۳- تخریب شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام با شکایت از امیرالمومنین علیه السلام:

از مصادیق دیگر تضعیف جایگاه حضرت زهرا علیها السلام که با تخریب چهره امیرالمومنین علیه السلام همراه است؛ نقلی درباره رفتار خشن علی بن ابیطالب علیه السلام با فاطمه علیها السلام و در نتیجه شکایت بردن آن حضرت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله است. (ن. ک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۸، ۲۶۸)؛ که با آیات صریح قرآن از جمله آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) (ن. ک: البحرانی، بی تا: ۴، ۴۴۳) و آیه ۲۹ سوره فتح، مشتمل بر تعبیر «رحماء بینهم»^۳ (قمی، ۱۳۶۳: ۱، ۳۳)، که یکی از مصادیق آن امیرالمومنین علیه السلام است و روایات رسیده درباره حسن خلق، عطوفت و مهربانی بی نظیر ایشان با فقرا، یتیمان و...، تعارض دارد (ن. ک: حلی، ۱۴۱۱: ۱۱۴) و بنا بر روایتی آن حضرت قسم یاد می کند هیچگاه صدیقه طاهره علیها السلام را آزرده نکرد و از ایشان آزرده نشدند و می فرماید:

۱. متن حدیث در اصول کافی: «... وَقَدِمَ عَلَيَّ علیه السلام مِنَ الْيَمَنِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَهُوَ بِمَكَّةَ فَدَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ سَلَامًا اللَّهُ عَلَيْهَا وَهِيَ قَدْ أَخَلَتْ فَوْجَدَ رِيحًا طَيِّبَةً وَوَجَدَ عَلَيْهَا ثِيَابًا مَضْبُوعَةً فَقَالَ مَا هَذَا يَا فَاطِمَةُ فَقَالَتْ أَمَرَنِي بِهِذَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَخَرَجَ عَلَيَّ علیه السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُسْتَفْتِيًا فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَأَيْتُ فَاطِمَةَ قَدْ أَخَلَتْ وَعَلَيْهَا ثِيَابٌ مَضْبُوعَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَا أَمَرْتُ النَّاسَ بِذَلِكَ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴، ۲۴۶).

۲. متن حدیث در صحیح مسلم: «... وَقَدِمَ عَلَيَّ مِنَ الْيَمَنِ بُيُوتُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله، فَوَجَدَ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا مِمَّنْ خَلَّ، وَلَبِستُ ثِيَابًا صَبِيغًا، وَاکْتَحَلْتُ، فَأَنْكَرْتُ ذَلِكَ عَلَيْهَا، فَقَالَتْ: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي بِهِذَا، قَالَ: فَكَانَ عَلَيَّ يَقُولُ، بِالْعِزَاقِ: فَذَهَبْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُحَرِّشًا عَلَى فَاطِمَةَ لِلَّذِي صَنَعَتْ، مُسْتَفْتِيًا لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِيمَا ذَكَرْتُ عَنْهُ، فَأُخْبِرْتُهُ أَنِّي أَنْكَرْتُ ذَلِكَ عَلَيْهَا، فَقَالَ: «صَدَقْتُ صَدَقْتُ...» (مسلم، بی تا: ۲، ۸۸۶).

۳. قال الصادق علیه السلام: «... قوله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ» هذه صفة رسول الله صلی الله علیه و آله وأصحابه...» (قمی، ۱۳۶۳: ۱، ۳۳).

«فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرِ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ» (اربلی، بی‌تا: ۱، ۳۵۲).

۷-۳-۳- تخریب مقام زهد حضرت فاطمه علیها السلام:

از فضائل دیگر حضرت زهرا علیها السلام زهد و ایثاری است که مستند به نص قرآن است، و در صورت پذیرش آن، نمی‌توان اختلاف ایشان با حاکمیت را مسئله‌ای مالی بر سر فدک دانست و علت اصلی مناقشه بر سر فدک، یعنی بیعت نکردن با خلیفه و به تبع آن عدم اجماع صحابه در موضوع خلافت، آشکار می‌شود؛ به همین دلیل جریان مقابل درصدد برآمد مقام زهد و ایثار آن حضرت را تخریب نماید. به عنوان نمونه ابن حزم اندلسی با نقل روایتی، نپرداختن زکات را به ایشان نسبت می‌دهد و ادعا می‌کند: اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، با دیدن گردن‌بند طلائد فاطمه علیها السلام، او را توبیخ کرد، ممکن است به خاطر این باشد که ایشان از پرداخت زکات گردن‌بند خود امتناع کرده بود (ن. ک: ابن حزم، بی‌تا: ۹، ۲۴۳). به علاوه این جریان برای انکار زهد صدیقه طاهره علیها السلام، جایگاه ایشان را تنزل داده و اصل اختلاف را بر سر سهم خواهی ایشان از حکومت دانسته و ضمن نقل جریان بیعت امیرالمومنین علیه السلام با خلیفه اول مدعی اعتراف این امر توسط حضرت علی علیه السلام می‌شود و از قول ایشان می‌نویسد: «... أَنَّهُ لَمْ يَحْمِلْهُ عَلَى الَّذِي صَنَعَ نَفَاسَةً عَلَى أَبِي بَكْرٍ، وَلَا انْكَارًا لِلَّذِي فَضَّلَهُ اللَّهُ بِهِ، وَلَكِنَّا نَرَى لَنَا فِي هَذَا الْأَمْرِ نَصِيبًا...» (بخاری، ۱۴۲۲: ۵، ۱۳۹). تضعیف مقام زهد و ایثار حضرت زهرا علیها السلام در حالی صورت می‌گیرد که آیاتی از قرآن راجع به این بعد اخلاقی ایشان نازل شده است، از جمله هنگام اعطای لباس خود به فقیر در شب زفاف آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...» (آل عمران، ۹۲) نازل شد (ن. ک: صفوری، بی‌تا: ۲۵۰، ۲) و شأن نزول آیه «... وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...» (الحشر، ۹) مربوط به اطعام مستمند گرسنه توسط حضرت فاطمه علیها السلام و گرسنه خوابیدن ایشان به همراه امیرالمومنین علیه السلام و فرزندان ایشان می‌باشد. (ن. ک: حسکانی، ۱۴۱۱: ۲، ۳۳۱) و همچنین آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (الإنسان، ۸)، هنگامی که آن حضرت طعام افطارشان را در سه شب متوالی به مسکین، یتیم و اسیر دادند نازل شد (ن. ک: ابن مردویه، ۱۴۲۴: ۳۴۱).

نتیجه گیری

۱. بین جریان های روایی تاریخ، درباره موضع ایشان با جریان حاکم بعد از رسول اکرم ﷺ، مناقشه ای جدی وجود دارد که فهم و تحلیل مسلمانان را دچار چالش کرده است.
۲. جبهه مقابل اهل بیت ﷺ، مخالفت حضرت زهرا ﷺ با خلیفه اول را انکار می کند و برای غلبه روایت خود، به انحراف افکار عمومی از علت اصلی مناقشه فدک، توجیه قهر حضرت زهرا ﷺ و تخریب جایگاه ویژه آن حضرت می پردازد.
۳. از منظر جریان روایی اهل بیت ﷺ، اختلاف حضرت زهرا ﷺ با جریان حاکم بر سر حاکمیت بود که در اقدام به بازپس گیری فدک بروز پیدا کرد، به همین دلیل جبهه حاکم، مسئله فدک را به اختلافی مالی بین آن حضرت و حاکمیت بر سر ارث تحریف کرد و هبه بودن فدک را منکر گردید.
۴. جریان مقابل اهل بیت ﷺ برای تکمیل گزاره های روایت خود، با برخوردی منفعلانه، قهر حضرت فاطمه ﷺ را انکار و توجیه کرد و نهایتاً ادعای آشتی ایشان با خلفا را مطرح نمود و وصیت به دفن شبانه توسط آن حضرت را به علت شدت حیا و عفتشان دانست.
۵. با توجه به تعارض موجود بین جایگاه خاص حضرت زهرا ﷺ در صفاتی چون: «الصدیقه»، «المطهره»، «المحدثة»، «سیده نساء العالمین»، «بضعة الرسول» و برخورد حاکمیت با ایشان، جریان مقابل برای توجیه برخورد خلفا با آن حضرت، به تخریب و تضعیف ابعاد علمی، عبادی، اخلاقی و عرفانی ایشان پرداخت و جایگاه آن حضرت را از افضل اصحاب، به مدارج پایین تقلیل داد.

فهرست منابع:

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
- ابن تیمیة، أحمد بن عبد الحلیم، (۱۴۰۳ق)، رفع الملام عن الأئمة الأعلام، الرياض، الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد.
- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمييز الصحابة، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ، (۱۳۹۲ق)، الدرر الكامنة فی أعيان المائة الثامنة، صیدر آباد هند، مجلس دائرة المعارف العثمانیة.

- (۱۳۷۹ق)، فتح الباری شرح صحیح بخاری، بیروت، دار المعرفة.
- ابن حزم الأندلسی، علی بن أحمد، (بی تا)، المحلی بالآثار، بیروت، دار الفکر.
- ابن شبة، ابوزید عمر بن شبة (واسمه زید) بن عبیده بن ربیطة النمیری البصری، (۱۳۹۹ق)، تاریخ المدینة لابن شبة، جدة، طبع علی نفقة: السيد حبیب محمود احمد.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبی طالب، قم، انتشارات علامه.
- ابن عبد البر، ابو عمر یوسف بن عبد الله، (۱۳۸۷ق)، التمهید لما فی الموطأ من معانی و الأسانید، مغرب، وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الإسلامية.
- ابن عبد الوهاب، حسین، (۱۳۶۹ق)، عیون المعجزات، نجف، المطبعة الحیدریة.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله، (۱۴۱۵ق)، تاریخ دمشق، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر، (۱۴۱۸ق)، البدایة و النهایة، قاهره، دار هجر للطباعة و النشر و التوزیع و الإعلان.
- ابو داود، سلیمان بن اشعث، (۱۴۳۰ق)، سنن أبی داود، دمشق، دار الرسالة العالمية.
- احمد بن حنبل، ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد الشیبانی، (۱۴۲۱ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، (بی تا)، کشف الغمه فی معرفة الائمه، بی جا، انتشارات الرضی.
- البحرانی، السيد هاشم الحسینی، (بی تا)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسة البعثة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ق)، صحیح البخاری، بیروت، دار طوق النجاة.
- البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر بن داود، (۱۹۸۸م)، فتوح البلدان، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
- حسکانی، عبید الله بن عبد الله، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- (۱۴۱۱ق)، کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنين (علیه السلام)، تهران، انتشارات وزارت ارشاد.
- الدینوری، ابو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبه، (۱۴۱۰ق)، الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، بیروت، دار الأضواء.
- ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد، (۱۴۲۷ق)، سیر اعلام النبلاء، قاهره، دار الحديث.
- الرازی، فخر الدین، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب/ التفسیر الكبير، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- سلیم بن قیس الهلالي، (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالي، قم، انتشارات هادی.
- سید بن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۰ق)، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم، انتشارات خیام.
- سید مرتضی، ابی القاسم علی بن الحسن الموسوی، (۱۴۰۹ق)، تنزیه الانبیاء، بیروت، دار الاضواء.
- مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۷۸ش)، «حج پیامبر (ص)»، فصلنامه میقات حج، سال هشتم، شماره ۲۸.

- شمس تبریزی، محمد بن علی، (۱۳۹۱ش)، مقالات شمس تبریزی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- شهرستانی، محمد بن عبد الكريم، (۱۴۱۵ق)، الملل و النحل، بیروت، دار المعرفة.
- صدوق، أبی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن موسی بن بابویه القمی، (۱۴۱۷ق)، الأمالی، قم، مؤسسة البعثة.
- ، (بی تا)، علل الشرائع، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة و مطبعتها فی النجف.
- ، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، انتشارات اسلامیه.
- صفوری، عبد الرحمن بن عبد السلام، (بی تا)، نزهة المجالس و منتخب النفائس، قاهره، دار القاهرة.
- الطبرانی، سلیمان بن أحمد، (بی تا)، المعجم الأوسط، قاهره، دار الحرمین.
- الطبری الصغير، محمد بن جریر، (۱۴۱۳ق)، دلائل الإمامة، قم، انتشارات بعثت.
- الطبری، عماد الدین، (۱۴۲۰ق)، بشارة المصطفی ﷺ لشيعة المرتضى عليه السلام، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ، (۱۴۲۶ق)، تعريب كامل البهائي، بی جا، المكتبة الحیدریة.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۱ق)، رجال الطوسی، قم، انتشارات الشریف الرضی.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم، دار الكتاب.
- الکلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- کوفی، علی بن احمد، (۱۳۷۳ش)، الإستغاثة فی يدع الثلاثة، تهران، مؤسسة الأعلمی.
- مديھش، ابراهيم بن عبد الله، (۱۴۴۰ق)، فاطمة بنت النبي ﷺ سيرتها، فضائلها، مسندها رضي الله عنها، رياض، دار الآل و الصحب الوقفية.
- المسعودی، محمد فاضل، (۱۳۷۸ش)، الأسرار الفاطمية، قم، مؤسسة الزائر فی الروضة المقدسة لفاطمة المعصومة عليه السلام للطباعة و النشر.
- مسلم بن الحجاج، ابوالحسن القشيري النيسابوري، (بی تا)، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل الى رسول الله ﷺ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مفيد، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الأمالی (للمفيد)، قم، كنزہ شيخ مفيد.
- ميرجهانی طباطبائی، محمد حسن، (۱۴۲۶ق)، جنة العاصمة، مشهد مقدس ايران، بيت الزهراء.
- موسوی، جاسم هاتو، (۱۴۳۳ق)، فدک؛ دراسة تحقيقية ناظرة للشبهات التي طرحها إحصان إلهي ظهير في كتابه (الشيعية و أهل البيت) حول مسألة فدک، تهران، انتشارات مشعر.
- النايلسی، عبد الغنى بن اسماعيل، (۱۴۲۲ق)، تعطير الأنام فی تعبير المنام، بیروت، دار الفكر.
- نصیری، معصومه، (۱۴۰۰ش)، جنگ روايتها (بازاندیشی در شناخت و عملکرد رسانه های معاند)، تهران، انتشارات پشتيبان.
- واعظ قلشقندی، موسوی، محمد بن عبد الله، محمد كاظم، (۱۴۲۷ق)، اتحاف السائل بما لفاطمة من المناقب و الفضائل، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية، مركز التحقيقات و الدراسات العلمية.
- يزدی، سيد مصطفی محقق داماد، (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، تهران، مركز نشر علوم اسلامي.